

شرح حال چند تن از رجال دوره افشاریه

۱- تقی خان

تقی خان یکی از معروفترین رجال دوره افشاریان ، بی‌بزه در عصر نادرشاه میباشد. در بعضی کتب نام وی را محمد تقی خان (۱) و در بعضی دیگر تقی خان ذکر کرده‌اند . (۲) تقی-خان پسر حاج محمد علی مستوفی شیرازی است که پدر بر پدر منسوب میرآبی ، آبهای خندق قمشه و نهر اعظم که یکی از نهرهای شیراز بود ، به میرآب معروف و خانواده اش نیز در شیراز بهمین نام معروف شدند . در اواخر سلسله صفویه حاج محمد علی از مرتبه میرآبی ترقی کرده به مقام استیفاء رسید به مستوفی فارس معروف شد و در تاجگذاری نادر نیز شرکت داشت . در مراسم صحرای مغان (۱۱۴۸ ق) از جمله سیمصد نفر اعیان فارس بود بنا بگفته صاحب فارسنامه و رئیس فارسیان میرزا تقی نایب فارس و میرزا محمد حسین شریفی متولی آستانه حضرت شاه چراغ و میرزا اسماعیل کلانتر فارس بود . نادر پس از تاجگذاری ، به میرزا تقی لقب خانی داد (۳) و او را به ایالت فارس سرافراز نمود . (۴) بگفته لکهارت : (میرزا محمد تقی خان با آنکه فرماندهی بزرگه با مدیری خارق‌العاده نبود ، بر اثر قدر و منزلتی که بلبل نامعلومی در نزد نادر یافت پیشرفت شایان نمود . (۵) نادر در صحرای مغان پس از واگذاری حکومت فارس به تقی خان بوی تأکید کرد که جزیره بحرین را که چند سال در تصرف شیخ جبار هوله‌ای است تصرف کند و پس از انجام این کار ، نادر حکومت بحرین را نیز به تقی خان داد . (۶) و تقی خان از این پس گرفتار جنگهای دریائی در جنوب ایران در خلیج فارس با اعراب این منطقه گردید و خطاهائی از وی سرزد اما نادر در این مورد باو چندین سخت نگرفت و همچنان در مقام خود باقی ماند . تقی خان در سال ۱۱۴۹ ق پس از سفر شیخ جبار هوله‌ای به زیارت خانه خدا ، بکمک لطیف خان دریاسالار ، بحرین را از تصرف نایب شیخ جبار آزاد ساخت و باین ترتیب بحرین نیز ضمیمه ایالت فارس و حکمرانی تقی خان گردید . (۷) آنگاه تقی خان و لطیف خان مأمور تسخیر عمان و مسقط

۱- جهاننگشای نادری به تصحیح انوار - سید عبدالله ، ص ۲۷۳ ، چاپ تهران ۱۳۴۱ خورشیدی .

۲- فسائی - حاج میرزا حسن ، فارسنامه ناصری، ص ۱۷۵ ، تهران ۱۳۱۳ قمری .

۳- همان کتاب ص ۱۷۶-۱۷۵ .

۴- جهاننگشای نادری به تصحیح انوار ص ۲۷۳ .

۵- لکهارت (لارنس) - نادرشاه ، ترجمه مشفق همدانی، ص ۱۱۴ چاپ تهران ۱۳۳۱ خورشیدی .

۶- جهاننگشای نادری - به تصحیح انوار ص ۲۷۷ .

۷- لکهارت - نادرشاه ، ص ۱۵۱ .

گردیدند ولی تقی خان با چنین عملیاتی موافق نبود و به علت عدم همکاری ، لطیف خان نتوانست در مسقط را تسخیر کند از اینرو آتش اختلاف بین وی و لطیف خان طوری زبانه کشید که تقی-خان او را با زهر کشت و ایران را از داشتن چنین سردار شایسته در نیروی دریایی محروم کرد. (۱) این یکی از کارهای بسیار زشت و در واقع خیانت او به ایران میباشد زیرا تا مدتی قدرت ایران را در خلیج فارس تضعیف نمود . و عجیب است که نادر تا سال ۱۱۵۲ - ق با زهر متمرض وی نشد تا اینکه در این سال بعثت سرکشی خدایارخان حاکم سند ، نادرشاه به تقی خان دستور داد که قشون فارس و کرمان و کهکیلویه و توپخانه و کشتیها از راه دریا وارد سند شود و قرار بود که نیروهای دریائی و زمینی درهند و گوادر بهم ملحق شوند. (۲) لکن در اوائل سال ۱۱۵۲ تقی از قبایل بلوچ بفرماندهی ملک دینار شکست خورد و قوای دریائی و زمینی او دچار قحطی شد وعده بیشماری از پای درآمدند آنگاه تقی خان به گمبرون (بندرعباس) بازگشت. در این هنگام از نادر پیامی رسید مبنی براینکه چون کار سند پایان رسید قشون را مرخص کرده و خود به اردوگاه نادرشاه در نادرآباد برود تقی خان نیز چنین کرد و ملتزم رکاب شد . نادرشاه تقی خان را سخت مورد بازخواست قرارداد و مدتی ویرا از مقام خویش منفصل نمود و پس از مدتی وقتی که قصد جنگ با ایلبارس خان والی خوارزم را داشت دوباره وی را به بیگلربیگی فارس منصوب نمود. (۳) تقی خان بازآمور تصرف مسقط و عمان گردید زیرا حکمران مسقط امام سیف بن سلطان گرفتار طغیان سلطان بن مرشد پسر عمش شده و بوسيله وی خلع گردیده بود. در سال ۱۱۵۴ کشتی های جنگی ایران شامل پانزده ناو بکمک امام سیف آمدند ولی تقی خان بعثت کمک اعراب هوله به شورشیان عمان و مسقط کاری در پیش نبرد نادر پس از چندی کلبعلیخان افشار (برادرزن خود فرزندبابا علی بیک کوسه) را بکمک تقی خان فرستاد و تقی خان توانست با سیف بن سلطان در جلفار عهد نامه ای منعقد کند که برطبق آن حاکمیت ایران را به منطقه خلیج فارس به رسمیت بشناسد. در این هنگام کلبعلیخان نیز در سحر را محاصره کرد و آنجا را گشود تقی خان و امام سیف نیز متفقاً سلطان مرشد را در سحر شکست داده کشتند و احمد بن سعید ، سلطان سحر که بعداً سلسله سلاطین ابوسعید مسقط را تأسیس کرد ، توانست تقی را بفریبد و حکومت خود را در سحر تحکیم نماید. (۴) پس از حرکت تقی خان احمد بن سعید از فرصت استفاده کرده و از پرداخت خراج منظم طبق عهدنامه ای که با تقی خان بسته بود به سربازان پادگان ایران در مسقط به بهانه اینکه وسیله ارسال پول از سحر به مسقط را ندارد خودداری نمود از اینرو افسران و سربازان ایران مقیم پادگان مسقط در وضع بدی بسر میبردند آنگاه وی برایشان حمله برد عده ای را کشت و گروهی را هم که تسلیم شده بودند به ایران بازگرداند. لشکر کشی به عمان برای ایران بسی گران تمام شد زیرا بیش از بیست هزار ایرانی بر اثر جنگ یا بیماریهای گوناگون هلاک شدند. هر گاه نادر بموض آنکه فرماندهی قوای دریائی ایران به مرد نالایق و فاسدی

۱- همان کتاب ص ۲۳۳ .

۲- همان کتاب، ص ۲۳۵ و جهاننگشای نادری، ص ۳۴۴ .

۳- لکهارت، نادرشاه، ص ۲۴۴-۲۳۵ .

۴- لکهارت، نادرشاه، ص ۲۷۷-۲۷۶-۲۷۵-۲۷۴ .

مانند تقی‌خان بسیاری فرمانده شایسته ولایتی چون طهماسبقلی‌خان جلایر (۱) می‌سپرد، بدون شک به پیروزی قطعی نایل میشد. (۲) از مدتها پیش بین تقی‌خان و کلبعلیخان که سردار سپاه فارس بود اختلاف شدیدی رویداده بود و هر یک از دیگری نزد نادر شکایت بردند. نادر سخت بر آشفت و آندو را احضار کرد و بجای ایشان محمد حسین خان قرقلو را بسرداری تعیین و روانه کرد (۳). تقی‌خان پس از تصرف مسقط به گمبرون رفت چون شنید نادر وی و کلبعلیخان را امر به احضار نمود تصمیم به طغیان گرفت تقی‌خان که پس از تصرف مسقط مست باده غرور بود و نیروی دریائی و سپاه فارس را بخود متفق ساخته بود و طرفی سوء ظن نادر را بخود میدید علم طغیان برافراشت. چنانکه گفته شد نادر محمد حسین خان قرقلو فرمانده نیروی ایران در عمان را که بجانشینی کلبعلیخان و تقی‌خان مأمور نموده بود احضار کرد و باو فرمان داد که شورش تقی‌خان را دفع کند. (۴) تقی‌خان به شیراز آمد و به قلعه داری پرداخت در این هنگام قوای کمکی به عهده چهل هزار نفر برای محمد حسین خان قرقلو رسید و شهر را محاصره کرد نادر با وجود کشته شدن برادرزانش (کلبعلیخان) میرزا علی ملقب به صددالممالک را برای سازش نزد تقی‌خان فرستاد و این تمکین بخاطر آن بود که نادر قبلا سوگند یاد کرده بود که سردار گردنکش خود را نکشد ولی اقدامات مسالمت آمیز او بجائی نرسید محمد حسین خان تصمیم به اشغال شیراز گرفت (۱۱۵۷-ق) عاقبت پس از چهارماه و نیم اهالی تسلیم شدند سپاهیان وی کشتار و خرابی بسیار نمودند بیماری طاعون نیز در شهر شیوع داشت و چهارده هزار تن از اهالی را هلاک کرد تقی‌خان و پسر ارشدش میخواستند از هرج و مرج استفاده کرده بگریزند ولی دستگیر شدند. (۵) بگفته هنوی : (تقی‌خان هنگام فرار با لباس چوپانی دستگیر شد.) (۶) بفرمان نادر هنگام ورود تقی‌خان و سایر اسیران به اصفهان مردم از راه استهزاء به استقبال آنان آمده تقی و پسرش را وارونه سوار الاغ کنند سرنا و دهل بصددا در آورده در شهر بگردانند. (۷) سپس دستور داد سه تن از پسران و برادرش^۲ را کشته و سایر اعضای خانواده او به غلامی فروخته شوند و خود وی خنثی و از یک چشم نابینا گردید و در برابر یک چشم دیگرش که سالم مانده بود همسرش به سر یازان سپرده شد در این بین یک نکته جالب و عجیب وجود دارد اگرچه نادر بخاطر سوگندی که یاد کرده بود تقی‌خان را نکست ولی پس از مجازات وی و افراد خانواده اش باو لقب مستوفی الممالک داد و به حکومت ایالت کابل منصوب نمود. (۸) بازن پزشک نادرشاه

- ۱- لایق‌ترین و معروفترین سردار نادرشاه (نگارنده) .
- ۲- لکهات، نادرشاه، ۲۷۹-۲۷۸ .
- ۳- جهاننگشای نادری، به تصحیح انوار، ص ۲۹۹-۲۹۸ .
- ۴- لکهات، نادرشاه، ص ۳۰۴-۳۰۳ و جهاننگشای نادری، ص ۳۹۹-۳۹۸ .
- ۵- لکهات، نادرشاه، ص ۳۰۵ و جهاننگشای نادری، ص ۳۹۹ .
- ۶- هنوی (جونس) -- زندگی نادرشاه، ترجمه دکتر اسماعیل دولتشاهی، ص ۲۹۲ چاپ تهران ۱۳۴۶ .
- ۷- مروی-محمد کاظم، عالم‌آرای نادری، ج ۳، ص ۱۴۱-۱۴۰ چاپ مسکو ۱۹۶۶-م .
- ۸- لکهات، نادرشاه، ص ۳۰۶ .

در باره انتصاب جدید وی گفته : (پس برای تسلی خاطر او از آن سختی‌ها که باو رسیده بود او را بدان قسمت از هندوستان که از طرف پادشاه گورکانی بوی تسلیم شده بود با عنوان نایب‌السلطنه روانه نمود . (۱)) و اما علت اصلی طغیان تقی‌خان با وجود محبت‌های نادر چه بود . صاحب فارسنامه گوید : (تقی‌خان بعد از چندی که معزول و در اردوی نادری حاضر رکاب بود دوباره بیگلربیگی فارس شد و فتحعلی‌خان افشار ، (۲) (کلعلی‌خان افشار) سردار فارس مأمور تسخیر مسقط و عمان شدند ولی بیگلربیگی و سردار با یکدیگر نساخته بنای عدم سازش را گذاشته نادرشاه سردار را معزول و محمد حسین‌خان قرقلوی افشار امیر آخور- باشی را که از سگان در جهنم بود قائم مقام او نموده روانه فارس داشت و بعد از ورود اراده نمود که بلطایف الحیل تقی‌خان و روسای سپاه که با او همداستان بودند از بحر عمان و سواحل فارس کشیده به شیراز آورده در زمان استقلال تقی‌خان سه نفر ملحد موسوم به میرزا محمد علی کوچک و میرزا صابروا علی نقی منشی مبلنی را از خزانه عامره به اسم بیگلربیگی که فی الحقیقه بیان واقع بود تصرف نمودند و حسب الامر نادری مأمور بحضور شده چپاری برای بردن آنها وارد گردید ولی تقی‌خان آنها را پنهان داشته به بهانه سفر عمکه معظمه موقوف داشت ظهور این گونه امور موجب غضب نادری گشته مجدداً محصلان غلاظ آمده آنها را نداد . (۳) و حتی مأمورین مالیاتی نادر را بقتل رساند . (۴) تقی‌خان با شاهزاده رضاقلی میرزا نیز بر سر جمع آوری مالیات از اهالی کرمان اختلاف شدیدی پیدا کرد . تقی‌خان ، کلاتر کرمان را برای بدست آوردن مالیات تحت فشار گذاشت او نیز چون نادر در هندوستان بود به رضاقلی میرزای نایب السلطنه شکایت برد و رضاقلی میرزا دستور او را لغو کرد و همچنین در سال ۱۱۵۱- ق تقی‌خان بزبان کمپانی هند خاوری اقدام کرد و چون خیر این اقدام بگوش نادرشاه در هند رسید نامه‌ای به رضاقلی میرزا نوشت و از رفتار خود- سرانه تقی‌خان اظهار عدم رضایت نمود رضاقلی میرزا نیز به تقی‌خان دستور داد که خسارت کمپانی را بپردازد . از طرفی وقتی پسر تقی‌خان بنخدمت رضاقلی میرزا رسید شاهزاده دستور داد وی را خلع سلاح کنند و این عمل خود باعث دشمنی تقی‌خان با رضاقلی میرزا گردید به

۱- با زن - پیر ، نامه‌های طبیب نادرشاه ، ترجمه دکتر علی اصغر حریری ، باهتمام حبیب یغمائی ، ص ۱۷ ، چاپ تهران ۱۳۴۰ .

۲- توضیح : در فارسنامه ناصری ص ۱۹۳ نوشته (فتحعلی‌خان کوسه احمدلوی افشار خالوی شاهزادگان نادری به سردار فارس مأمور شد . . .) در صورتیکه چنین نبوده بلکه کلعلی‌خان به سرداری فارس روانه شد او نیز خالوی شاهزادگان بوده و معلوم است که صاحب فارسنامه اشتباه کرده است زیرا مورخین و نویسندگان دیگر هم کلعلی‌خان نوشته‌اند (نگارنده) برای مطالعه بیشتر رجوع شود به جهانکشی نادری به تصحیح انوار ، ص ۳۹۹- ۳۹۸ و لکهارت ، نادرشاه ، ص ۳۰۴-۳۰۳-۲۷۸ و محمد کاظم - عالم آرای نادری ، ج ۱ ، ص ۱۱۰ مسکو ۱۹۶۲ .

۳- فارسنامه ناصری ، ص ۱۹۳ .

۴- لکهارت ، نادرشاه ، ص ۳۰۴ .

احتمال قوی وی یکی از بدگویان شاهزاده نادر بوده است . (۱) یکی دیگر از علل شورش تقی خان این بود که محمد حسین خان قرقلوی افشار برادر او اسماعیل را که نایب-الایاله شیراز بود دستگیر کرده باصفهان فرستاده بود . (۲) تقی خان مدتها حکومت متصرفات شرقی نادر را در هندوستان عهده دار بود . بعد از کشته شدن نادر به خدمت احمدخان ابدالی که در کابل سلسله پادشاهی افغانستان را تأسیس کرده بود درآمد و به هنگام حمله های احمد شاه به مشهد وی به میانجیگری بین او و شاهرخ (۳) پرداخت . (۴) تقی خان بطور کلی مردی بود فاسد ، شیاد و قدرشناس و بی فکر علت آنکه سه نفر مختلس را به مأموران نادر شاه تحویل نداد این بود که میدانست اسرار سوء استفاده های چندین ساله حکومتش در فارس نزد نادر آشکار خواهد شد . (۵) و همین امر باعث کشتار و ویرانی مردم بیگناه شهر شیراز گردید . او که مردی بی کفایت بود با آنکه بارها خطا کرده بود و از طرف نادرشاه بخشوده شده بود و دوباره نیز بحکومت فارس رسید هرگز نخواست از اعمال نادرست خود دست بردارد متأسفانه تنها به نادر خیانت نکرد بلکه به مردم نیز ظلم و ستم بسیار روا داشت چنانکه لکه هارت گوید : (وضع روستائیان و کارگران در غیاب نادر بسیار رقت انگیز گردیده بود در جنوب تقی خان اجحاف و تبعیض و زور گوئی را از حد گذرانده بود .) (۶) میرزا محمد کلانتر فارس نیز در روزنامه فارس نوشته : (... کار بجائی رسید که ناموس مسلمانان تصدق سر مبارک بندگان تقی خان میراب الاصل شیرازی بیگلربیگی مملکت فارس گردید .) (۷) شاید تقی خان در میان رجال دوره افشار که سر به طغیان برداشتند تنها کسی باشد که با وجود شاهای فراوان و اجحاف به مردم باز توانست بحکومت خود ادامه دهد . نادرشاه پیش از محازات وی آنچنان او را مورد مهر و محبت خود قرار داده بود که بگفته هنوی : (تقی خان حاکم فارس که مقام بیگلربیگی داشت بسیار مورد احترام نادر بود و حتی پادشاه ایران باو اجازه داده بود که در طرف راست کلاه خود جقه بگذارد و سوار فیل شود و این افتخار نصیب دو سه نفر بیشتر در ایران نشده بود .) (۸) در صورتیکه این تشریفات مختص پادشاهان است . (۹)

- ۱- لکه هارت ، نادرشاه ، ص ۲۲۵ .
- ۲- بامداد - مهدی ، شرح حال رجال ایران در قرون ۱۴ و ۱۳ و ۱۲ هـ . ق ، ج ۱ ص ۲۲۸ ، چاپ تهران ۱۳۴۷ .
- ۳- شاهرخ نوه نادرشاه (فرزند رضاقلی میرزا) که بعد بحکومت خراسان رسید و عاقبت حکومت وی توسط آقا محمد خان قاجار برچیده شد و خود او در سال ۱۲۱۱ ق کشته شد . (نگارنده) .
- ۴- گلستانه - محمد امین ، مجمل الثواریخ ، تصحیح مدرس رضوی ، توضیحات مدرس رضوی ، ص ۳۲۰ ، چاپ تهران ، ۱۳۲۰ خورشیدی .
- ۵- بامداد - شرح حال رجال ایران ، ج ۱ ، ص ۲۲۸ .
- ۶- لکه هارت ، نادرشاه ، ص ۲۳۰ .
- ۷- کلانتر - میرزا محمد ، - روزنامه فارس به نقل از فارسنامه ناصری ، ص ۱۹۳ .
- ۸- هنوی - زندگی نادرشاه ، ص ۲۸۸ .
- ۹- جهانگشای نادری به تصحیح انوار ، ص ۳۱۵ .